

## **A Comparative Study of Compulsory Insurance Law on Inflation in Islamic Jurisprudence and French Law<sup>1</sup>**

### **Mitra Shariatzadeh**

PhD. Student, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

mit@gmail.com

### **Abbas ArabKhazayeli**

Assistant Professor, Theology-Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran (**Corresponding Author**).

a.arabkh@iausari.ac.ir

### **SeyyedAsgari Hosseiny Moghadam**

Assistant Professor, Department of Theology-Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

drhosainy@yahoo.com

### **Abstract**

The aim of the present study is to compare the effect of coercion on the inflation insurance in the legal systems of Iran and France. Descriptive-analytical method was employed in the study and the results indicated that both countries, Iran and France, currently fail to have a written law on compulsory inflation insurance; however, they are authorized to approve this law. Our country has formally recognized this necessity based on legal reasoning and found it easy to legislate. On the other hand, this law can come into force in France based on its Common Law system, if necessary. The findings of the study also show that formal recognition and provision of details in Iranian legal system is better than French legal system, so that it can be added as an article either to the Civil Code or insurance law; however, it has a time-consuming procedure. On the contrary, French legal system quickly recognizes supervisory structures independent of the legislature and the judiciary, and implements such a law that could protect individuals' properties before an economic tsunami takes place. In fact, the only difference that matters between the two legal systems is speed.

**Keywords:** Inflation, Compulsory Insurance, Economic Stability, French Law, Islamic Jurisprudence (Fiqh).

---

<sup>1</sup> Received: ۲۰۲۰/۰۷/۲۹ ; Accepted: ۲۰۲۰/۰۹/۲۴

## مطالعه تطبیقی قانون بیمه اجباری تورم در فقه و حقوق اسلامی با حقوق فرانسه<sup>۱</sup>

میترا شریعت‌زاده

دانشجوی دکتری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

mit@gmail.com

عباس عرب خزایلی

استادیار، گروه الهیات، فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران (نویسنده مسئول).

a.arabkh@iausari.ac.ir

سید عسگری حسینی مقدم

استادیار، گروه الهیات، فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. drhosainy@yahoo.com

### چکیده

هدف پژوهش حاضر مطالعه تطبیقی مسئله اجبار در بیمه تورم، در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که در حال حاضر هر دو کشور ایران و فرانسه، فاقد قانونی مدون در مورد بیمه اجباری تورم هستند، اما هر دو کشور به گونه‌ای مجوز تصویب این قانون را دارند. کشور ما بر پایه ادله فقهی وجود چنین سازوکاری را به رسمیت شناخته و قابلیت قانونگذاری آن ساده‌تر است. فرانسه نیز به موجب کامن لای خاص خود، در صورت لزوم می‌تواند نسبت به اجباری شدن این سازوکار اقدام کند. لذا مجوز تصویب این قانون در صورت لزوم، وجه اشتراک اصلی قانون دو کشور است. بر مبنای فقهی، وجود چنین نوعی از بیمه فاقد اشکال است و بر مبنای آن قانون مختار به رسمیت بخشیدن بدان می‌باشد. بر مبنای حکم حکومتی نیز در شرایط ضروری، می‌توان وجود چنین صنعتی را اجباری نمود که البته تاکنون انجام نشده است. در مطالعه تطبیقی با حقوق کشور فرانسه، رسمیت قانونی و تصریح جزئیات در قانون کشور ما بهتر بوده و می‌تواند به عنوان ماده قانونی چه در قانون مدنی و چه در قانون بیمه اضافه گردد. اما نقطه ضعف چنین قانونی، زمان‌بر بودن آن است. اما مطابق با سیستم حقوقی کشور فرانسه، تشخیص نهادهای ناظر خارج از قوه مقننه و قضائیه و پیگیری سریع اجرای چنین قانونی، می‌تواند تا پیش از طوفان اقتصادی، از مال افراد صیانت کند. در واقع سرعت عمل در چنین مسئله‌ای نقطه افتراق دو نظام حقوقی و نقطه ضعفی برای کشور ما محسوب می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** تورم، بیمه اجباری، ثبات اقتصادی، حقوق فرانسه، فقه.

## ۱- مقدمه

ثبات اقتصادی در جامعه، آرزوی هر شهروند، به خصوص قشر فعال در بازار است. نوسانات قیمت‌ها می‌تواند به زیان‌هایی اساسی منجر شود. از دیدگاه اقتصادی، به دلیل مصرف تولیدات و کاسته شدن از منابع تولیدی، گرانی به کالاها سرایت کرده که از آن با نام تورم نام می‌برند. دیدگاه اقتصادی، تورم مثبت تک‌رقمی را یک پدیده معمول دانسته که این افزایش قیمت معمولاً برای مردم محسوس نیست. تورم‌های دو رقیمی و گاه سه رقیمی موجب از دست رفتن بخشی از پس‌انداز مردم شده که می‌تواند موجب اختلال در نظام اقتصادی گردد. تورم گاه به صورت منفی بوده و البته این پدیده بسیار نادر است. بررسی فقهی مرتبط با تورم منفی، تقریباً پیشینه‌ای نداشته و لذا در شمول مسائل مستحدثه قرار دارد.

در مرتبط‌ترین تحقیقات، مولودی (۱۳۷۹) شرایط خاص اجبار در بیمه را تشریح نمود و بیان داشت زمانی که یک زیان اقتصادی محتمل است، حکومت می‌تواند بیمه مرتبط با آن را اجباری کند. آقامهدوی، اسماعیلی گیوی و کاوند (۱۳۸۸) به مصداق خسارت در تورم اشاره داشته و شمول آن در بیمه را مجاز دانستند.

سمیعی زفرقندی (۱۳۹۰) خلاء قانون بیمه را از منظر امام خمینی بررسی کرده و عدم اجبار در برخی مسائل بیمه‌ای همچون زلزله را نکوهش نمود.

مؤمنی و صالحیان، دقیقی اصلی و آل احمدی (۱۳۹۲) اثر تورم بر بیمه‌های عمر و راهکارهای خنثی‌سازی آن را بیان داشتند.

جمالی‌زاده (۱۳۹۳) تغییر در شرایط اقتصادی را مستلزم بیمه اجباری در تمام صنوف می‌داند.

عسگری و همکاران (۱۳۹۵) اوراق بهادار بیمه‌ای را بررسی نمودند. رجبی و همکاران (۱۳۹۷) ادگه صحت بیمه خسارات ناشی از تورم منفی را بررسی کرده و با ذکر دلایل فقهی، صحت وجود چنین نوعی از بیمه را تبیین نمودند. وجود بیمه با توجه به وجود ریسک پدید آمده و به زیان ساده، خرید ریسک، بیمه نام دارد. بحث فقهی در مورد بیمه زیاد است و لیکن به صورت خلاصه، این نکته ذکر شده که در صورت پایبندی به بیع بیمه، وجود آن خالی از اشکال است. تورم ناگهانی می‌تواند یک نوع ریسک محسوب شود. بنابراین، بیمه تورم می‌تواند خطر زیان‌های ناشی از تغییر ناگهانی قیمت‌ها را شامل شود. تحقیقات پیشین نیز تا حدی به این مسئله اشاره کرده‌اند.

در این پژوهش، مسئله اجبار در بیمه تورم، در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه، تطبیق داده شده است. چنین قسمی از تحقیق، پیشینه‌ای نداشته و لذا نوآوری پژوهش محسوب می‌شود.

سؤال اصلی پژوهش آن است که وجوه افتراق و اشتراک قوانین ایران و فرانسه در رابطه با بیمه تورم به چه صورت است؟ در بخش‌های جداگانه می‌توان با بررسی قوانین در کنار یکدیگر، چالش‌های قانون مذکور در نظام حقوقی کشورمان را مشخص کرده و به عنوان پیشنهاد به مسئولین قانون‌گذار، ارائه کرد.

به نظر می‌رسد که قوانین کشورمان با توجه به مسائل فقهی، اجبار در شرایط مشخص را جایز دانسته و لذا این مسئله در حقوق فرانسه دارای ضعف است.

## ۲- بیمه تورم

حجم مشخصی از نقدینگی توسط بانک مرکزی در کل جامعه در جریان است. در عین حال کالاها نیز به مقدار مشخص در بازار وجود دارد که توسط پول‌های چاپ شده خریداری می‌شود. اگر نسبت نقدینگی به کالاها تغییر نماید، تورم پدید خواهد آمد. در تورم مثبت، یا چاپ پول بی‌پشتوانه توسط بانک مرکزی افزایش داشته و یا به هر علت ممکن، مقدار کالاها کاهش می‌یابد. در گذشته که پول کاغذی در جریان نبود، تنها دلیل تورم مثبت، قحطی و کمبود کالا بود. اما امروزه بانک مرکزی قادر است که با تولید پول‌های بی‌پشتوانه که معمولاً برای تأمین هزینه‌های دولت ایجاد می‌کند، به مردم تورم تحمیل نماید.

حالت برعکس این قضیه، تورم منفی نام دارد. گاه به دلیل تولید زیاد در یک جامعه بدون چاپ پول، تورم منفی پدید می‌آید. این مورد با کاهش تورم متفاوت است. در تورم منفی، ارزش پول افزایش داشته و در عین حال ارزش کالاها کاهش می‌یابد، یعنی یک نفر می‌تواند در طول زمان با مقدار ثابتی پول کالای بیشتری خریداری کند. معمولاً به علتی از جمله افزایش تولیدات و عدم نظارت دقیق بر این موضوع، تورم منفی شکل می‌گیرد (بهادرانی، ۱۳۹۰، ص ۵۰).

بیمه یک سازوکاری است که بر مبنای آن، یک سازمان در قبال دریافت هزینه مقرر، ریسک یک خطر احتمالی در شرایط خاص را می‌پذیرد. آن سازمان به کمک درآمدهای اکتسابی، به فعالیت اقتصادی مشغول شده و ضمن تأمین پشتوانه مالی، منابع لازم برای جبران خسارت در شرایط قرارداد را تعیین می‌کند. علامه دهخدا بیمه را این‌گونه تعریف می‌کند: ضمانت مخصوصی است از جان یا مال که در تمدن جدید رواج یافته است، بدین صورت که برای شخص یا مال مبلغی به شرکت بیمه می‌دهند و در صورت اصابت خطر بر جان یا مال، شرکت مبلغ معینی می‌دهد (دهخدا، ۱۳۴۸، ص ۶۰۴). قانون بیمه مصوب سال ۱۳۱۶ در ماده یک، بیمه را این‌گونه تعریف می‌کند: بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می‌کند که در ازای پرداخت وجه یا جوهی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه، خسارت وارده بر او را جبران نموده و یا وجه معینی را پردازد (صمدائی گله کلانی، ۱۳۸۸، ص ۴۱).

هم مسئله بیمه و هم تورم، موارد نوظهوری بوده که تفاسیر خاص فقهی در مورد آن وجود دارد. درباره بیمه نظرات مختلفی وجود داشته که خارج از حوصله پژوهش است و به صورت خلاصه، تنها به صحت وجود آن پرداخته شده است. گروه فقهای مخالف بیمه، استدلال می‌کنند که بیمه به مانند قمار است و نوعی عقد یک‌طرفه محسوب می‌شود و لذا دارای اشکال شرعی است. اما در عوض گروه مخالفان که از نظر تعداد بیشتر می‌باشند، بیمه را به مانند ضمان، نهبانی و عقد رضائی دانسته‌اند و مشهورترین نظر، بیمه را بیع می‌دانند، لذا، وجود آن خالی از اشکال است، به شرطی که به وعده‌های داده شده به درستی عمل شود. تعریف عقد در ماده ۱۸۳ قانون مدنی بدین صورت آمده است که عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آن‌ها باشد. در فقه امامیه، فقها بر سر تعریف عقد اختلاف نظر دارند، برخی‌ها عقد را از مقوله‌ی لفظ می‌دانند، بدین صورت که عقد را ایجاب مرتبط با قبول و یا ایجاب مقترن با قبول می‌دانند که در این صورت معاطات شامل آن نمی‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۴۸). اما برخی دیگر از فقها عقد را اعم از مقوله لفظ دانسته‌اند، بلکه عقد را التزام در برابر التزام یا ربط قراردادی با قرارداد دیگر تعریف کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ص ۱۶۸).

اما در مورد سازوکار بیمه تورم، می‌توان چنین بیان کرد که در تورم منفی، میزان ارزش کاسته شده از سرمایه، می‌تواند توسط بیمه پرداخت شود. در مورد تورم مثبت، می‌توان چنین سازوکاری را تعیین کرد که مابه تفاوت کالای گران شده که کاسب بتواند مجدد جنس موردنیاز را خریداری کند، در شمول عقد بیمه خواهد بود. مثلاً فردی تاجر پارچه است و کالای انبار خود را با مشخصات اظهاری، بیمه کرده است.

ناگهان تورم، قیمت‌ها را سه برابر کرده و فرد کاسب، توان لازم برای خرید جنس دوباره را ندارد. لذا بیمه به میزان خالی شدن انبار از جنس، مبلغ مابه تفاوت را پرداخت کرده که کاسب بتواند با خرید جنس، مجدد کاسبی خود را از سر گیرد. بدین صورت می‌توان از ورشکستگی شغل‌ها ممانعت کرد. کارخانه‌ها نیز مواد اولیه را می‌توانند در قبال تورم، بیمه کنند. بدین صورت که در صورت تورم منفی، میزان ارزش کاسته شده کالای موجود در انبار و در تورم مثبت، میزان ارزش اضافه شده به کالای خالی شده از انبار پرداخت شود، یعنی ریسک فعالیت اقتصادی جبران می‌گردد.

### ۳- بیمه اجباری تورم

بیمه تورم قابلیت اجباری شدن برای برخی صنوف را دارد. در مورد اجباری شدن بیمه، عموماً بیمه اجباری اتومبیل به ذهن خطور می‌کند، چراکه در حال حاضر پرکاربردترین نوع بیمه اجباری است. نکته قابل توجه این‌که محسوب شدن بیمه در قالب عقد و بیع که رضایت رکن اصلی آن می‌باشد، چگونه بدون اجبار تعلق می‌گیرد. درباره بیمه اجباری اتومبیل، مصلحت اجتماعی ایجاد کرده که به علت سنگینی میزان دیه و محتمل به نبود تمکن پرداختی، جهت حفظ حقوق مردم، بیمه به صورت اجباری قرار گیرد. دیگر صور بیمه اجباری در مورد کشتی‌های نفت‌کش، کشتی‌های تجاری و دیگر صنایع سنگین بوده که خسارت‌های سنگین در انتظار آنان نشسته بود. بنابراین، محتمل بودن خسارت سنگین، وجه اشتراک بیمه‌های اجباری می‌باشد. به هر حال تورم نیز می‌تواند ناگهان زیان سنگینی به یک صنعت وارد کند، لذا، بررسی قانونی که بتواند در شرایط لازم، نسبت به اجباری نمودن بیمه برای تورم منفی اقدام کند، ضرورت داشته که با هدف شناسایی چالش‌های مرتبط بدان، مطالعه تطبیقی بین حقوق ایران و فرانسه در این پژوهش انجام شده است (یوسفی‌راد، ۱۳۸۸، ص ۴۷).

#### ۳-۱- ادله فقهی اجباری شدن بیمه تورم

از دیدگاه فقهی، چندین ادله معتبر وجود دارد که می‌توان به وسیله آن اجباری شدن بیمه در شرایط لازم را توجیه کرد. لذا، به بررسی آن‌ها پرداخته شده است.

#### ۳-۱-۱- قاعده لاضرر

یکی از اصول فقهی که براساس آن، می‌توان سازوکار بیمه تورم منفی را تحت پوشش قانون قرار داد، قاعده فقهی لاضرر می‌باشد. بیمه شخص ثالث با توجه به قاعده لاضرر، الزامی اعلام شده است.

این قاعده اولاً، مستند به دلیل عقل است، زیرا عقل ضرر رساندن را قبیح دانسته و آن را محکوم می‌کند و طبق قاعده ملازمه (کلمه حکم به العقل حکم به الشرع) این قاعده مسلم می‌گردد (فخرالمحققین، ۷۶۰ق، ج ۲، ص ۴۸).

ثانیاً، در قرآن می‌خوانیم: «لا تضار والده بولدها و لا مولود له بولده» نباید مادر به واسطه قطع شیر به کودک خویش ضرر برساند و یا اینکه «ولا تمسکوهن ضرراً لتعتدوا»، وقتی زنان خود را طلاق دادید، اگر واقعاً نمی‌خواهید با آنان زندگی کنید، صرفاً به منظور آزار دادن به آنان رجوع نکنید (غروی نائینی، ۱۴۰۱ق، ص ۵۴).

ثالثاً، در روایات متعدد، این نفی ضرر مطرح شده که از معتبرترین آنان روایت زراره از امام باقر(ع) است.

قاعده «لاضرر» ادله مذکور استخراج و از مبانی مورد اتفاق اهل تسنن و امامیه است و در کتب روایی به نحو تواتر اجمالی دیده شده، و فقها آن را به عنوان «کبری قضایای فقهی» مطرح کرده‌اند. احکامی همچون حکم حرمت ضرر رساندن، حرمت مقابله ضرر با ضرر دیگر، وجوب تدارک و جبران ضرر ناروا و... از این قاعده به دست آمده‌اند.

این قاعده از متن روایات بسیاری که در این زمینه وجود دارد، گرفته شده، تا جایی که شماری از فقیهان ادعای تواتر کرده‌اند.

همچنین در شریعت اسلام هر حکم وضعی یا تکلیفی که موجب ضرر بر فرد یا نوع انسانی باشد، مطرود است. این قاعده مقرر می‌دارد که قراردادهای نباید موجب ورود زیان بر طرفین گردند و بر همین اساس و به جهت جلوگیری از ضرر یا جبران آن، حق فسخ (خيارات) در معاملات در نظر گرفته شده است. هر عقد لازمی را می‌توان مشمول «خيارات» دانست، به جز سه خيار: مجلس، حیوان و تأخیر ثمن که مختص عقد بیع است، تمامی خيارات (شرط، رؤیت و تخلف وصف، غبن، تدلیس، تبعض صفقه، تخلف شرط) در کلیه عقود جاری هستند (عرفانی، ۱۳۷۲، ص ۳۲).

قاعده لاضرر، یکی از مستحکم‌ترین قواعد فقهی بوده که منبع استخراج بسیار مهمی برای استخراج قواعد فرعی‌تر محسوب می‌شود. مطابق با این قاعده، ضرر رسانی می‌بایست به حداقل رسد و در صورت امکان قطع شود. اسلام با ضرر رسانی و ضرر دیدن مخالف است. در مورد دخانیات و مواد مخدر، که تقریباً موضوع مستحدثه محسوب می‌شود، با استفاده از این قاعده، فقها فتوای حرمت آن را صادر کرده‌اند. بدین صورت که انسان حق آسیب‌رسانی به بدن خود را ندارد (مظاهری، ۱۳۸۶ق، ص ۶۸).

نوسانات اقتصادی می‌تواند ناگهان به جمع کثیری در کشور زیان زند. شهروندان در داخل کشور زندگی کرده و بی‌ثباتی نظام اقتصادی همه را متأثر می‌کند. اگر جنبه خسارت سنگین بوده و وسعت آن زیاد باشد، و همچنین راه حل آن نیز شناخته شده باشد، می‌توان حکم قاعده لاضرر در این باره را صادق دانست (مکارم شیرازی ۱۴۲۲ق، ص ۴۳). چرا که با راه حل مشخص به خوبی می‌توان از زیان اساسی عمومی ممانعت کرد. در مورد بیمه اتومبیل، چون هم اکنون اکثریت خانواده‌های ایرانی صاحب خودرو بوده و احتمالات آسیب به طرف مقابل وجود داشته و به علت کثرت استفاده از اتومبیل، احتمال آسیب به همه شهروندان وجود دارد، لذا بیمه شخص ثالث اتومبیل یک راه حل مناسب جهت جبران خسارات محسوب شده و به حکم قاعده لاضرر، قانون بیمه اجباری شخص ثالث مصوب شد. در زمان وقوع بیماری کرونا، رعایت نکات بهداشتی از طرف علمای حق ذمه معرفی شد و به حکم قاعده لاضرر که حقوق مردم همگی در خطر قرار گرفته بود، وظیفه هر فرد مشکوک به بیماری چنین تعیین شد که می‌بایست با معرفی خود به مراکز بهداشتی و عدم حضور پررنگ در جامعه، مانع گسترش بیماری شود.

در زمان بی‌ثباتی اقتصادی در زمان جنگ خلیج فارس در عراق، به فرموده آیت‌الله خوئی، به حکم قاعده لاضرر، صندوق تامین خسارت با مشارکت عامه تعیین شد و هر کس به نسبت خود سهمی در صندوق داشت تا بتواند در صورت بدهکاری نسبت به جبران آن اقدام کند (خوئی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۲۲).

با توجه مطالب بیان شده مشخص است که در زمان بی‌ثباتی اقتصادی که زیان اقتصادی غیرقابل جبران می‌تواند دامن‌گیر عمومی جامعه شود، و راهکار مقابله با آن نیز بیمه تورم است، می‌توان به حکم قاعده لاضرر، نسبت به اجباری نمودن بیمه تورم اقدام کرد.

مصرف موادی که موجب خسارت در بدن می‌شود، حرام است. حکومت برحسب قاعده لاضرر، مجاز به دخالت در برخی مسائل می‌باشد. در مورد بیمه اجباری اتومبیل، چنین قاعده‌ای بکار گرفته شد و در مورد خطراتی که جامعه درگیر آن بود، آگاهی داده شد. هرچند که طبق شرع و قانون، می‌توان کلیه خسارت را مطالبه نمود، اما عملاً به دلیل نبود تمکن مالی و یا برخی سیاست‌هایی که قانون از تشخیص آن عاجز است (همچون معاملات سوری) حق و حقوق بسیاری از مردم ضایع می‌گردد.

هم‌اکنون بخش بزرگی از دعاوی حقوقی و کیفری در کشور، متوجه چک‌های برگشتی است و عملاً به دلیل نبود سازوکاری مناسب، بسیاری از این حقوق، وصول نمی‌گردد. ریشه تاسیس آتش‌نشانی نیز به بدهکاری‌های چند قرن اخیر در لندن بازمی‌گردد که در اثر آتش‌سوزی گسترده، افراد بدهکار قادر به جبران طلب خود نبودند. لذا به حکم عقل، با هدف ممانعت از آسیب، آتش‌نشانی تشکیل شد. تورم‌های کلان نیز یکی از ارکان آسیب به شهروندان در همه کشورها است. به حکم عقل، در صورت پیش‌بینی این وضعیت، می‌بایست با آن مقابله کرد. کشور ما در طی چهار دهه تجربیات تلخ تورمی داشته که به زیان جمع گسترده کسب و کارها انجامیده است. لذا، مقابله با آسیب تورم‌های کلان، در زمره قاعده لاضرر جای دارد. بنا به قاعده لاضرر، می‌بایست با ضرر وارده مقابله کرد. تجربیات اقتصادی کشورمان لزوم مقابله با تورم را با صراحت بیان کرده و هم‌اکنون مردم با هدف مقابله با تورم، سرمایه خود را به سمت املاک سرازیر کرده که مطلوب نیست. لذا، به حکم قاعده لاضرر، با هدف مقابله با ضرر تورم، می‌توان از راهکار بیمه تورم استفاده کرد که مطلوب همه افراد است. با توجه به قاعده لاضرر، بیمه اجباری اتومبیل، توجیه شرعی پیدا کرد. همان‌طور که بیان شد، پدیده‌های اقتصادی مسائلی تخصصی بوده که اکثر افراد به دلیل تحلیل غلط از آن، دچار ضرر و زیان می‌شوند. کمتر کسی حوادث ناگوار سال ۱۳۹۷ و تحریم‌های مجدد ایالات متحده آمریکا را پیش‌بینی کرده و حتی خبرگان حقوقی نیز چنین امکانی را ملغی می‌دانستند. به هر حال در صورتی که حکومت، مسائلی را پیش‌بینی نماید، می‌تواند بنا به مصلحت کل جامعه، بیمه تورم چه مثبت و چه منفی را اجباری کند.

### ۳-۱-۲- قاعده اتلاف

از جمله قواعد مشهور فقهی که فقیهان در مورد ضمان به آن تمسک جسته‌اند، قاعده اتلاف است. مفاد قاعده اتلاف در «من اتلف المال الغير فهو له ضامن» مندرج است. همه فقیهان بر این قاعده اتفاق نظر دارند. اتلاف گاهی به صورت مستقیم (مباشرت) است و گاهی به صورت غیرمستقیم (تسبیت). از جمله مواردی که مسئولیت مطلق شناخته شده، جایی است که خسارت مستقیم باشد (قسم اول اتلاف). اما اگر خسارت مستقیم نباشد و به اصطلاح ناشی از تسبیت باشد، مسئولیت مطلق پذیرفته نشده است (صدر، ۱۴۰۸ق، ص ۴۱). بدین ترتیب از آنجا که تورم چه به صورت مثبت و چه منفی، می‌تواند خسارات سنگینی به بار آورد، می‌توان به قاعده اتلاف رجوع کرد. همان‌که طور که گذشت، پس از خروج ایالات متحده آمریکا از برجام، تورم سه‌رقمی بر کالاها سایه افکند و به جز تعدادی از سوداگران، کشور در غم بزرگی فرو رفت. اما در سال بعد، تورم منفی به کشور بازگشت و قیمت‌ها تا حدودی کاهش یافت که باز هم موجب ناخرسندی عده‌ای شد. نوسان نرخ ارز بین ۱۰,۰۰۰ تا ۱۷,۰۰۰ تومان چندین بار تکرار شد و به همین جهت، هر بار زیان‌هایی متوجه افراد گردید. به هر حال می‌توان اجباری شدن بیمه تورم را در چنین شرایطی مجاز دانست.

به هر حال تورم در نوع خود، چه مثبت و چه منفی، موجب اتلاف است. تورم مثبت به معنای کاهش ارزش پول پس‌انداز شده بوده و اتلاف پس‌اندازهای نقدی را به دنبال دارد. تورم منفی به معنای اتلاف کالاهای خریداری شده است و ارزش کالایی که برای فروش خریده شده، تلف می‌شود. این تلفات می‌تواند در نظام اقتصادی مشکلاتی ایجاد کند که به تلف عمومی اموال برسد. لذا به حکم قاعده اتلاف، می‌بایست با این اقدام مبارزه کرد. حکومت به نوبه خود مسئولیت مبارزه با تورم را دارد. اما می‌تواند با اجباری کردن بیمه تورم، تلفات شخصی افراد را کاهش دهد. لذا به این حکم، بیمه تورم می‌تواند اجباری شود.

### ۳-۱-۳- غضب

غضب عبارت است از استیلاء بر حق غیر به نحو عدوان. چنانکه از این تعریف برمی آید سلطه و تصرف بر مال و حق دیگری به نحو عدوان بر حرمت که یک نوع حکم تکلیفی است، مسئولیت مطلق را که احکام آن ضمن مواد ۳۰۸ تا ۳۲۷ قانون مدنی مقرر شده است، ایجاد می کند. استیلائی نامشروع خواه به عمد انجام گیرد یا ندانسته و با حسن نیت، و خواه غاصب از آن منتفع شود یا سودی نبرد، این تکلیف را ایجاد می کند که مال به مالک بازگردانده شود، «علی الید ما اخذت حتی تودیبه». همچنین بدل عین و منافع تقویت شده، به عنوان جبران خسارت برای او فراهم آید (فخرالمحققین، ۷۶۰ق، ص ۱۷۴). نهاد غضب در ایجاد ضمان قهری قلمرو بسیار گسترده ای داشته و بسیاری از مسائل مربوط به مسئولیت مدنی و استیفای نامشروع را در برمی گیرد. نکته ای که باید بدان توجه داشت، آن است که احکام غضب و مسئولیت مدنی، هدف مشترک دارند که همان بازگرداندن وضع پیشین شخص می باشد که به ناروا مورد تجاوز قرار گرفته است، با وجود این تفاوت هایی بین این دو نهاد وجود دارد (شهید ثانی، ۱۳۸۸ق، ص ۸۵). از جمله این که ضمان غاصب ناشی از استیلائی نامشروع است، ولی ضمان در مسئولیت مدنی ناشی از وارد کردن ضرر به دیگری می باشد، خواه مقدمه آن استیلائی نامشروع باشد یا هر اقدام دیگری که سبب ورود ضرر شود. ایجاد تورم در جامعه، طبیعتاً به دلیل برخی بی تدبیری ها صورت می گیرد. طبیعتاً در صورت برنامه ریزی صحیح، می توان به هر نحو ممکن جلوی تورم را گرفت. کشور ما در زمان دکتر مصدق به مدت ۱۴ ماه از فروش نفت محروم بود و در آن زمان تورم تک رقمی باقی ماند و حقوق کارمندان حتی یک روز نیز به تعویق نیفتاد. کشورهای عراق و افغانستان با وجود جنگ های متوالی خانمان سوز، تورمی نداشته و تنها رکود در آن کشورها حاکم است. به هر حال مسئولیت ایجاد تورم، بی تدبیری هایی بوده که می توان آن را مسئولیت تلقی کرد و در شرایط کنونی کشور که درگیر جنگ اقتصادی می باشد، اجباری شدن بیمه تورم توجیه پذیر است. طبیعتاً اگر در اثر بالا رفتن نرخ ارز، کارخانه ای ورشکست شود، بیکاری کارگران آن جامعه به سیستم اقتصادی کشور زیان می زند. لذا، باهدف ممانعت از زیان عمومی در جامعه، می توان بیمه تورم را اجباری کرد.

### ۳-۱-۴- وظایف اقتصادی حکومت

یکی از وظایفی که دولت اسلامی را به دخالت در اقتصاد وامی دارد، اجرای عدالت اقتصادی است. بر این مبنا، دولت اسلامی وظیفه دارد که با هدف عدالت اقتصادی، از شوک های اقتصادی ممانعت کند. در واقع مقابله با زیان های ناگهانی که از تورم ناشی می شود، به گونه ای وظیفه حکومت اسلامی به حساب می آید. رسول خدا (ص) ثروت های عمومی را یکسان در اختیار مردم گذاشت. همه را در بهره گیری از آتش، آب و چراگاه مساوی قرار داد. زمین های مرده از آن خدا و رسول (ص) است، پس هر کسی بخشی از آن را احیاء کند، از آن وی خواهد بود (مظفر، ۱۴۰۶ق، ص ۵۴۱؛ آشتیانی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۸۰).

هر کس زودتر از سایر مسلمانان چیزی را حیات کند، به برخورداری از آن سزاوارتر می باشد. نقل است که پس از سخن رسول خدا (ص)، مردم برای خط کشی اراضی و حیات ثروت های زمین بیرون شتافتند.

رسول خدا (ص) حق تجارت در محلی را که جهت بازار آماده شده بود، برای همه یکسان قرار داد و فرمود: بازار مسلمانان، همچون مسجد آنان است. هر کس زودتر بساط خود را در جایی از بازار بگستراند، به استفاده از آن تا شبانگاه، سزاوارتر است (همان).



گفته‌اند: امیرمؤمنان(ع)، هنگامی که مشاهده کرد، بعضی برای خود دکان‌هایی در بازار ساخته‌اند، فرمان داد تا آنها را خراب کنند و فرمود:

هر کس [صبحگاه] زودتر مکانی را دریابد، در استفاده از آن بر دیگران مقدم است. بدین سبب، هر فروشنده‌ای هر روز در گوشه‌ای از بازار، کالای خود را می‌فروخت، البته این در مورد بازاری بود که از گذشته در اختیار عموم قرار داشت یا حکومت آن را در اختیار مردم نهاده بود. چون تردیدی نیست که فروشنده می‌تواند در ملک خود، دکانی بنا کند.

در هر حال، از این روایات فهمیده می‌شود که نظام اسلامی، در تقسیم فرصت‌های اقتصادی در کسب و کار باید عادلانه عمل کند. حکومت اسلامی وظیفه دارد از هدر رفت ناگهانی ثروت مردم ممانعت کند و لذا تعیین سازوکارهایی به قصد مقابله با آن ضرورت دارد. به قصد مقابله با خسارات هنگفت ناشی از تورم منفی، حکومت می‌تواند در صورت صلاح دید، نسبت به اجباری نمودن این نوع بیمه برای صنایع محتمل به خسارت اقدام کند. در حال حاضر قانون بیمه اجباری تورم در کشور به تصویب نرسیده است. اما بنا بر ادله بیان شده، این اقدام دارای مشروعیت است و طبیعتاً شورای نگهبان با این مسئله مخالفتی نخواهد داشت. در حال حاضر در کشور، کسی مجبور به بیمه کردن اموال خود در مقابل تورم نیست. اما برای مصلحت اجتماعی، حکومت می‌تواند قانون اجباری شدن آن را تصویب کند. در صورتی که زیان اقتصادی مرتبط با تورم، دامن‌گیر همه شود، حکومت اسلامی وظیفه اجباری کردن بیمه تورم را دارد.

### ۳-۱-۵- ایجاد ثبات اقتصادی

از وظایف اساسی دولت در منظر امام خمینی، ثبات مالی و سامان دادن به وضع اقتصادی کشور است، به طوری که در ماه‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی، ایشان با توجه به وضعیت اقتصادی کشور یکی از دلایل عدم ثبات اقتصادی را، عدم استقرار دولت می‌دانند و در سخنرانی خود در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ می‌فرمایند: «مهم این است که، مملکت که حالا می‌گوییم دست خودمان است، یک مملکتی باشد که خودکفا باشد، سازندگی شروع بشود تا مملکت به طوری که اقتصادش صحیح باشد، کشاورزی‌اش درست بشود، دانشگاه‌هایش درست بشود، قضاوتش درست بشود. همه این‌ها آشفته‌اند؛ مثل زمان طاغوتند دیگر. الآن [هنوز] متحول نشده؛ برای اینکه دولت الآن دولت انتقالی است، یک دولت مستقری نیست» (جمالیان، ۱۳۹۵، ص ۵۶).

اهمیت نقش دولت در زمینه خودکفایی اقتصادی باعث می‌شود که چند ماه دیگر در تاریخ ۵ دی ۱۳۵۸ امام خمینی در سخنرانی خود این مهم را یادآوری و تبعات اقتصاد وابسته را ذکر کنند. ایشان در سخنرانی خود با توجه به نقش حمایت دولت از مردم در زمینه خودکفایی اقتصادی می‌فرمایند: «دو تا اصل را باید همه، همه قشرهای ملت مراعات کنند: یکی اینکه ادراک این را بکنند که ما اگر اقتصادمان تابع خارج باشد آن وقت یک روز می‌بینید که خارجی‌ها نمی‌خواهند به ما چیزی بدهند، و وقتی که در را بستند، ما باید تسلیم آن‌ها بشویم که هرچه می‌گویند عمل کنیم. و این شایسته یک مملکت اسلامی، یک جمهوری اسلامی نیست که پیوسته به غیر باشد در اقتصادش، در گندمش، در جوش، در برنجش، در این‌ها. این باید با همت کشاورزها، با همت قشرهای متوجه، با همت دولت که کمک بکند به کشاورزها، و با اینکه همه احساس یک وظیفه بکنند ... وظیفه شرعی الهی است که کارهایی بکنید که وابسته به غیر نباشید» (همان).

امام خمینی یکی دیگر از وظایف اقتصادی دولت را رسیدگی به حال محرومان ذکر می‌کنند و در دیدار با اعضای دولت در تاریخ ۱۶ شهریور ۱۳۶۰ می‌فرمایند: «راجع به اقتصاد و رسیدگی به امور ضعفا که بالاترین [عبادت] است من امیدوارم که خداوند موفق کند شما را که این برنامه‌ها را تحقق بدهید».

از نظر امام خمینی از دیگر وظایف مهم دولت در زمینه تامین رفاه اقتصادی مردم، سپردن برخی از امور به مردم توسط دولت در زمینه تجاری و صنعتی است. ایشان در تاریخ ۴ شهریور ۱۳۶۳، در دیدار با اعضای دولت با تأکید بر سپردن امور اقتصادی کشور به مردم در زمینه تجارت و صنعت می‌فرمایند: «اما راجع به تجارت، راجع به صنعت، راجع به این‌ها اگر مردم را شریک خودتان نکنید، موفق نخواهید شد، یعنی نمی‌شود یک جمعیت کثیری را بدون شرکت خود جمعیت؛ بدون شرکت، مثل این است که ما بخواهیم کشاورزی را ما، خود دولت بکند، خوب! دولت که نمی‌تواند کشاورزی بکند. کشاورزی را دولت باید تأیید بکند تا کشاورزها کشاورزی کنند. تجارت هم همین جور است. صنعت هم همین جور است» (همان).

ادله فقهی بیان شده، اجباری شدن بیمه تورم را در صورت لزوم تأیید می‌کند. از طرف دیگر اختیار حاکم اسلامی برای اجباری کردن برخی قوانین به موجب قواعد ذکر شده تصریح شده است. لذا در صورت لزوم، می‌توان قانون اجبار در بیمه تورم را به تصویب رسانده و یا به حکم حکومتی مشخص شده و ابلاغ شود. هرچند در حال حاضر قانون مدون در خصوص بیمه اجباری تورم وجود ندارد، اما در صورت لزوم می‌توان نسبت به این عمل اقدام کرد و مشروعیت لازم را دارد.

### ۳-۱-۶- دخالت حکومت اسلامی بر مبنای مصلحت

در ولایت فقیه، بایی با نام مصلحت وجود دارد که فراتر از قانون حرکت می‌کند. گاه بنا به مصلحت جامعه، می‌بایست اقداماتی انجام داد. صلاح دید این مورد بر عهده فقیهان می‌باشد. در واقع مدیریت کشور تنها با محاسبات علمی مقدور نبوده و گاه، مصلحت رهبر یک جامعه برای امورات نیاز است. طبیعتاً با هدف مقابله با شوک اقتصادی به شهروندان، نیاز است که تدابیر لازم توسط دولت انجام گیرد. الزام به داشتن بیمه تورم منفی و نظارت بر سازوکار آن، می‌تواند توسط دولت انجام شود و در صورتی که سیستم حقوقی، برای آن تدبیری نیاندیشد، می‌توان به استناد حکم مصلحت جامعه، قانون سازوکار این نوع بیمه را اجرایی نمود. بنابراین، قانون بیمه تورم با سازوکار تعیین شده، می‌تواند بر مبنای مصلحت اجتماعی اجباری گردد.

### ۳-۲- بررسی از دیدگاه حقوق اسلامی

به عقیده حقوق دانان، شرایط صحت معاملات که در ماده ۱۹۰ قانون مدنی بدان اشاره شده و همچنین منافع فقهی کثیر که جای بحث طولانی دارد، رضایت شرط اصلی یک بیع است. اگر معامله‌ای به اکراه صورت گیرد، مشروعیت ندارد. اجبار در بیمه، می‌تواند شرایط بیع را شامل نشود. در ماده ۱ قانون بیمه در مورد وسایل نقلیه موتوری، از واژه اجبار استفاده شده است. البته تاکنون قانونی در مورد بیمه تورم، تصویب نشده و لیکن صحت مجاز بودن این عمل در صورت لزوم، موضوع پژوهش کنونی است. ماده ۱ قانون بیمه در مورد اجبار سخن گفته که با ماده ۱۹۰ قانون مدنی، تناقضاتی دارد. اما پاسخ به این تناقض توسط حکم حکومتی داده می‌شود. در حقیقت تنها در سایه حکم حکومتی و مصلحتی که از تکلیف ناشی می‌شود، به اجبار در عقد بیمه اعتبار و ارزش می‌بخشد. حکم حکومتی تعلیماتی است که ولی امر در سایه قوانین شریعت و رعایت موافقت آن‌ها به حسب مصلحت زمان اتخاذ و بر طبق آن‌ها مقرراتی وضع می‌کند و به اجرا درمی‌آورد. بحث عمده درباره این حکم، دایره نفوذ و مشروعیت آن است. در واقع نفس مشروعیت ولایت و رهبری ولایت فقیه جامع‌الشرایط برای تصدی و تشکیل حکومت برای چنین مطلبی کافی است.

ملاک صدور حکم حکومتی مصلحت می‌باشد. نهاد بیمه نیز تا حدی براساس مصلحت بنا شده، ولیکن در صورت مصلحت جامعه، می‌توان اجبار در یک عقد را عملی کرد و لذا در صورت لزوم، اجباری کردن بیمه تورم، از نظر قانونی مجاز خواهد بود (هاشمی، ۱۳۹۳، ص ۸۴).

#### ۴- حقوق فرانسه

سابقه قانون مدنی در فرانسه به دو قرن پیش می‌رسد و به همین جهت الگویی برای قانون‌گذاری دیگر کشورها قرار گرفته است. در قانون مدنی این کشور مصوب ۱۸۰۴ میلادی، مبنای مسئولیت به روشنی تعبیر شده است. اصول حقوقی مطرح شده، به خصوص در مواد ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳، بعدها در اولین قانون بیمه این کشور منعکس شد. بر همین مبنای بیمه برای قوه قاهره خارج از مسئولیت افراد مسئولیت پرداخت خسارت را در بر گرفت. عمده قانون بیمه این کشور به مسئولیت‌ها پرداخته و در بند اول ماده ۱۳۸۴، قاعده مسئولیت ناشی از فعل اشیاء را استنباط و استخراج نمودند. در حوادث رانندگی، مسئولیت مبتنی بر تقصیر به پیش کشیده شد و بعدها طی بخشنامه پلیس، بیمه شخص ثالث برای خودروهای این کشور اجباری شد. نکته قابل توجه این‌که این بخشنامه توسط پلیس صادر شده که احتمالاً پیش‌تر در مجلس در مورد آن بحث شده بود، ولی قانون خاصی برای بیمه اجباری مصوب نشد (کارایانوپولوس<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۵).

پس از نوسانات نفتی در دهه ۷۰ میلادی که به نوعی رکود در جامعه منتهی شد، نخستین زرمه‌های بیمه تورم شنیده شد و با برقراری بیمه نوسانات قیمت نفت در سال ۱۹۷۵، اقدام به ایجاد یک سازوکار جدید نموده که پرداختی‌های یک سازمان به تناسب از قیمت نفت در یک حساب جمع‌آوری شده و در صورت بالا رفتن قیمت نفت، متناسب با موجودی صندوق، نسبت به پرداخت مابه تفاوت قیمت نفت اقدام می‌شد. به عقیده اکثر حقوق‌دانان، این سازوکار بیشتر بانکی است تا بیمه. برای نخستین بار رابطه‌ای بین پرداختی‌های قبلی بیمه با خسارت پرداخت شده ایجاد شد. چراکه معمولاً پرداختی پیشین در صورت عدم استفاده، قابل بازگشت نیست. به هر حال استقبال زیادی از این سازوکار به عمل نیامد و عملاً این سیستم منحل شد. اما حقوق‌دانان فرانسه هیچ معنی برای این کار ندانستند (فریم<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۹۸).

در سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۸، بخشنامه وزارت صنعت فرانسه، بیمه ورشکستگی را برای چندین شرکت کشتیرانی اجباری نمود. به عقیده اقتصاددانان آن زمان، به علت رشد تورم جهانی، جهت ممانعت از بحران اقتصادی در فرانسه، چنین دستوری داده شد که بر پایه اختیارات وزارت صنعت آن کشور انجام شد (فری<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۹، ص ۴۱). در مورد بیمه تورم نیز سابقه‌ای در این کشور دیده نشده، ولی با توجه به شباهت نظام رومی ژرمنی فرانسه و همچنین مبنای کامن‌لا<sup>۴</sup> در دیگر نقاط اروپا و آمریکا، چند نکته حائز اهمیت است. اولاً، قوانین مربوط به بیمه، به صورت عام مسئولیت را مشخص کرده و نظام بیمه مبتنی بر تقصیر است. در واقع بیمه تنها ریسک‌هایی را عهده‌دار شده که فردی مسئول وقوع خسارت نباشد.

<sup>۱</sup> Carayannopoulos

<sup>۲</sup> Frame

<sup>۳</sup> Frey

<sup>۴</sup> Common Law

نکته دوم این که قانون‌گذار این کشور، اجبار در بیمه را تعیین نکرده و با وجود عدم تصریح قانونی، در برخی موارد ابلاغ شده است. در واقع بر مبنای گذشته کشور فرانسه و سابقه تقنینی آن، به صورت عرفی، این مسئله وجود دارد که قوه مجریه در صورت لزوم، اختیار دستور اجباری شدن برخی موارد را دارد.

سابقه بررسی شده در این کشور در دو مورد مذکور نشان داد که قوه مجریه با اختیارات خود، نسبت به برخی بیمه‌ها، دستوراتی را صادر کرده است. اما در قانون بیمه این کشور، تغییری داده نشده و کماکان مسئولیت مبتنی بر تقصیر ذکر گردیده است. در مورد بیمه اجباری خودرو، تنها تعیین مسئولیتی که در قانون ذکر شده، با مبنای مسئولیتی که در قانون بیمه ایران ذکر شده، تفاوت‌هایی دارد.

در بررسی مثال‌های حقوقی این کشور، چندین دعوی مرتبط با مصادره و ضبط خودرو توسط پلیس این کشور به دلیل نبود بیمه شخص ثالث گزارش شده که دادگاه شکایت مالکین خودرو را به رسمیت نشناخته و به پلیس این اختیار را داد که تا زمان رفع مشکل، از تردد خودرو ممانعت کنند (گروتل<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۸، ص ۵۴). از این مثال حقوقی چنین برمی‌آید که در صورت الزامی شدن بیمه تورم برای صنایع مشخص، اختیار قانونی برای ممانعت از فعالیت آنان، توسط سازمان‌های ناظر وجود دارد و قانون چنین اختیاری را به آنها می‌دهد.

## ۵- بررسی تطبیقی

در کشور ما، مبنای حکم حکومتی و همچنین مصلحت اجتماعی، به اجباری بودن یک بیمه، رسمیت قانونی بخشیده که می‌تواند نقطه قوت محسوب شود. اما در نظام حقوقی فرانسه که با دستور قوه مجریه براساس اختیارات قانونی نانوخته می‌باشد، رسمیت قانون احساس نمی‌شود. ضمن این که حکم حکومتی بر مبنای نظر کارشناسان متعدد و گاه طرح در مجلس رسمیت یافته، ولی دستور قوه مجریه برحسب شور چند نفر مسئول انجام می‌شود. به هر حال رسمیت چنین قانونی در سیستم حقوقی کشورمان، وجه تفاوت با نظام حقوقی فرانسه می‌باشد.

مسئله دیگر، توجه به مبنای مسئولیت است. این مسئله به عنوان اشتراک و افتراق دو نظام حقوقی محسوب می‌شود. در مورد بیمه تورم، مسئولیت به نوعی از افراد سلب شده و به دلیل نوعی بی‌خبری از حادثه، قانون تصویب گردیده است. قوه مجریه فرانسه نیز اختیار دارد که در صورت تشخیص وضعیت نامناسب، نسبت به ممانعت از ضرر به افراد بی‌اطلاع که مسئول آن واقعه نیستند، اقدام نماید. این بحث پیچیده حقوقی، مبنای اجرای اجبار در بیمه است که در دو کشور وجود دارد. اما تفاوت آن در سخت‌گیری مسئولیت می‌باشد. حتی به فرض وجود مسئولیت در خسارت، باز هم می‌توان برای آن خسارت در نظر گرفت. برای مثال در سانحه رانندگی، حتی به فرض مقصر بودن راننده، باز هم قوانینی برای جبران خسارت وجود دارد. لیکن نظام حقوقی فرانسه برای افراد مقصر، سخت‌گیری زیادی کرده است.

همان‌طور که بیان شد، صراحت قانون درباره اجبار در بیمه تورم، می‌تواند وجه افتراق دو نظام حقوقی باشد. قانون بیمه و همچنین قانون بیمه اجباری شخص ثالث، نمونه‌هایی از صراحت قانون با ذکر جزئیات در این خصوص است. همچنین تعیین سازوکار اجرایی نیز در قانون ذکر شده که می‌تواند برای نظارت بر بیمه‌ها، مبنای قضائی باشد. طبیعتاً پیش از وضع هر قانون، می‌بایست سازوکار اجرایی آن مشخص شود. سازمان بیمه مرکزی در این باره مسئولیت سنگینی داشته که به نظر، رویه وحدت هماهنگی بیشتری ایجاد می‌کند. در مثال‌هایی که در فرانسه مشاهده شد، مبنای حقوقی این قانون، با توجه به بخشنامه بودن آن، مبنای حقوقی ضعیف‌تری نسبت به قانون مصوب دارد.

<sup>۱</sup> Groutel

در مورد بیمه ورشکستگی و بیمه نوسان نفتی که در مورد آن توضیح داده شد، سازوکار کاملی برای آن مشخص نگردیده است. البته اختیارات قانونی برای نگارنده بخشنامه وجود دارد که با نظر کارشناسان، سازوکار اجرایی را نیز در بخشنامه بگنجانند.

سازوکار سیستم قضائی در دو کشور تا حدودی متفاوت است. در فرانسه شورای قضائی به فعالیت پرداخته و خود اقدام به نگاشت قانون کرده و در برخی موارد اختیارات قانون‌گذاری را نیز ابلاغ می‌کند. به عقیده حقوق‌دانان استقلال قوه قضائی این کشور با این سازوکار حفظ شده و به جهت استقلال آرای صادره مورد تأیید حقوقی است. البته تفویض بخشی از اختیارات به قوه مجریه، به نظر مثبت است، ولیکن اختیارات بازگشت آن مورد بحث می‌باشد. مطابق با قوانین فرانسه، قوه قضائیه در صورت نارضایتی از اجرای یک قانون، بلافاصله قادر به بازگشت به وضعیت سابق نبوده و قوه مقننه این کشور می‌بایست در این باره تصمیم‌گیری کنند. مرجع حکومت در ایران که با تعالیم الهی برپا شده است، در زمینه تفویض اختیار و سپس بازپس‌گیری آن موفق عمل نموده است. برای مثال اعطای اختیار فرماندهی کل قوا به بنی‌صدر در سال ۶۰ خورشیدی و خلع آن از این اختیار در زمان بروز مشکل، مورد توجه است. در اینجا مسئله زمان اجرا مطرح است. طبیعتاً اختیارات بالای تفویض شده به قوه مجریه فرانسه، زمان اجرای قانون در زمان اضطراری را کمتر کرده که این مسئله در کشور ما به مدت‌ها زمان نیاز دارد. طبیعتاً مراحل پیچیده تصویب چنین قانونی و در صورت لزوم لغو آن، زمان بیشتری طلب کرده که یکی از مشکلات قانون بیمه تورم در کشور ما تلقی می‌گردد.

## ۶- نتیجه‌گیری

در حال حاضر هر دو کشور ایران و فرانسه، فاقد قانونی مدون در مورد بیمه اجباری تورم هستند، اما هر دو کشور به گونه‌ای مجوز تصویب این قانون را دارند. کشور ما بر پایه ادله فقهی که بیان شد، وجود چنین سازوکاری را به رسمیت شناخته و قابلیت قانونگذاری آن ساده‌تر است. فرانسه نیز به موجب کامن لای خاص خود، در صورت لزوم می‌تواند نسبت به اجباری شدن این سازوکار اقدام کند. لذا مجوز تصویب این قانون در صورت لزوم، وجه اشتراک اصلی قانون دو کشور است. بر مبنای فقهی، وجود چنین نوعی از بیمه فاقد اشکال است و بر مبنای آن قانون مختار به رسمیت بخشیدن بدان می‌باشد. بر مبنای حکم حکومتی نیز در شرایط ضروری، می‌توان وجود چنین صنعتی را اجباری نمود که البته تاکنون انجام نشده است. در مطالعه تطبیقی با حقوق کشور فرانسه، نقاط قوت زیادی برای این سیستم حقوقی و قانون بیمه تورم تعیین شد، از جمله اینکه رسمیت قانونی و تصریح جزئیات در قانون کشور ما بهتر بوده و می‌تواند به‌عنوان ماده قانونی چه در قانون مدنی و چه در قانون بیمه اضافه گردد. اما نقطه ضعف چنین قانونی، زمان‌بر بودن آن است. طبیعتاً طرح موضوع در مجلس و بررسی‌های طولانی مدت و یا تعیین شمول این قانون، می‌تواند زمان زیادی گرفته و طوفان تورم در این مدت دامن‌گیر اقتصاد شود. اما مطابق با سیستم حقوقی کشور فرانسه، تشخیص نهادهای ناظر خارج از قوه مقننه و قضائیه و پیگیری سریع اجرای چنین قانونی، می‌تواند تا پیش از طوفان اقتصادی، از مال افراد صیانت کند. در واقع سرعت عمل در چنین مسئله‌ای نقطه افتراق دو نظام حقوقی و نقطه ضعفی برای کشور ما محسوب می‌شود. به هر حال قانون اجبار بیمه تورم تاکنون عملی نشده و در صورت لزوم، قابلیت اجرای آن را دارد. اما بر مبنای شناسایی نقطه‌ضعف‌های آن در دو کشور به مسئولین مرتبط پیشنهاد می‌شود که در زمان لزوم، نسبت به تسریع در عملیات آن اقدام شود.

## قرآن کریم.

۱. آشتیانی، محمدحسن (۱۴۰۳ق). *بحر الفوائد فی شرح الفرائد*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
۲. آقامهدوی، اصغر؛ اسماعیلی گیوی، حمیدرضا؛ کاوند، مجتبی (۱۳۸۸). بررسی الگوهای بیمه اسلامی مبتنی بر مضاربه از نظر سازوکارهای عملیاتی و فقهی. *جستارهای اقتصادی*، ۶(۱۲)، ص ۱۲۱-۱۴۸.
۳. بهادرانی، ابراهیم (۱۳۹۰). *تورم و چالش‌های آن*. تهران: انتشارات مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی.
۴. جمالیان، امید (۱۳۹۵). *بررسی فقهی قراردادهای بیمه*. تهران: انتشارات مینوفر، چاپ دوم.
۵. جمالی‌زاده، احمد (۱۳۹۳). *بررسی فقهی عقد بیمه*. قم: انتشارات بوستان کتاب.
۶. خویی، ابوالقاسم (۱۴۲۲ق). *مصباح الاصول*. قم: آل البيت، ج ۱.
۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۸). *فرهنگ لغت دهخدا*. تهران: نشر اندیشه.
۸. رجبی، فرشید؛ ایزدی‌فرد، علی اکبر؛ جهانی، علی اکبر (۱۳۹۷). بررسی فقهی و حقوقی بیمه خسارات ناشی از تورم منفی. *پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، ۱۵(۵۴)، ص ۹۷-۱۱۸.
۹. سمیعی زفرقندی، زهرا (۱۳۹۰). *بررسی ابعاد فقهی-حقوقی قرارداد بیمه و خلاهای آن در قانون ایران با رویکردی بر نظر امام خمینی*. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۰. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۳۸۸ق). *الروضه البهیة فی شرح لعمه الدمشقیه*. کاشان: اندیشه‌های حقوقی.
۱۱. صدر، محمدباقر (۱۴۰۸ق). *مباحث الاصول*. قم: بی‌نا.
۱۲. صمدائی گله کلائی، علیرضا (۱۳۸۸). *بررسی حقوقی اصل جانشینی در قراردادهای بیمه*. مازندران: دانشگاه مازندران.
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ق). *المیزان دار الکتب الاسلامی*. تهران: نشر اسلامیان، چاپ ششم.
۱۴. عرفانی، محمود (۱۳۷۲). *حقوق تجارت*. تهران: انتشارات جنگل.
۱۵. عسگری، محمدمهدی؛ صادقی شاهدانی، مهدی؛ حسینی، سیدعلی؛ سیفلو، سجاد (۱۳۹۵). *بررسی فقهی اوراق بهادار بیمه‌ای (با رویکرد موضوع‌شناختی)*. *پژوهشنامه بیمه*، ۳۱(۱)، ص ۱۲۳-۱۳۸.
۱۶. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق). *تذکره الفقهاء*. قم: انتشارات قم.
۱۷. غروی نائینی، میرزا محمدحسین (۱۴۰۱ق). *فوائد الاصول*. قم: انتشارات نشر اسلامی، چاپ دوم.
۱۸. فخرالمحققین (۷۶۰ق). *ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد*. قم: نشر اسماعیلیان، ج ۲.
۱۹. مظاهری، حسین (۱۳۸۶ق). *درس خارج شماره ۱۵۵*. قم: دفتر اطلاع‌رسانی حوزه علمیه.
۲۰. مظفر، محمدرضا (۱۴۰۶ق). *اصول الفقه*. بیروت: انتشارات بیروت، چاپ دوم.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۲ق). *مسائل المستحدثه، درس خارج فقه*. قم: نشر آل بیت (ع).
۲۲. مولودی، محمود (۱۳۷۹). *بررسی فقهی بیمه. الهیات و معارف اسلامی*، ۴۸(۱)، ص ۱۶۵-۱۸۴.
۲۳. مومنی وصالیان، هوشنگ؛ دقیقی اصلی، علیرضا؛ آل احمدی، ایتسام (۱۳۹۲). اثر تورم بر بیمه‌های عمر و راهکارهای خنثی‌سازی آن. *پژوهش‌های حقوق خصوصی*، ۷(۲۳)، ص ۳۱-۶۰.
۲۴. هاشمی، اصغر (۱۳۹۳). *بررسی ماهیت فقهی و حقوقی بیمه‌های اشخاص در فقه و حقوق ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. شاهرود: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شاهرود.

۲۵. یوسفی‌راد، زینب (۱۳۸۸). بیمه مهریه از منظر فقه و حقوق موضوعه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه پیام نور.

۲۶. Carayannopoulos, P. ; Kovacs, P. & Leadbetter, D. (۲۰۰۳). Insurance Securitization: Catastrophic event exposure and the role of insurance linked securities in addressing risk. *ICLR Research*, No.۲۶, P.۱-۶.

۲۷. Frame, W.S. ; Mihov, A. & Sanz, L. (۲۰۲۰). Foreign investment, regulatory arbitrage, and the risk of US banking organizations. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, ۵۵(۳), P.۹۵۵-۹۸۸.

۲۸. Frey, A. ; Kirova, M. & Schmidt, C. (۲۰۰۹). The role of indices in transferring insurance risks to the capital markets. *Sigma*, No.۴.

۲۹. Frey, A. ; Kirova, M. & Schmidt, C. (۲۰۰۹). The role of indices in transferring insurance risks to the capital markets. *Sigma*, No. ۴.

۳۰. Groutel, H. ; Pierre, P. ; Leduc, F. & Asselain, M. (۲۰۰۸). **Traité du contrat d'assurance terrestre**. [Computer file]